



ویژگی های زبان مطلوب مطبوعات



طیبه منصوری شاد

کارشناس ارشد علوم ارتباطات و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی
mansourishad@yahoo.com

رسانه‌ها از جمله مطبوعات، یکی از مولفه‌ها و نهادهای اصلی جامعه پذیری و فرهنگ پذیری است و در انتقال و آموزش زبان نقش اساسی دارد. امروزه نهادهای رسانه‌ای در کنار نهادهای آموزشی چون مدرسه، کانون آموزش و انتقال زبان هستند و در شکل‌گیری فرهنگ تاثیر دارند. رسانه‌های همگانی از جمله مطبوعات نقش عمده‌ای در گفت و شنود ملی و تاثیر گسترده بر سرنوشت زبان گذاشته‌اند. مهمترین نقش رسانه‌هایی چون مطبوعات نقش آموزشی آن است. زبان گنجینه هویت فرهنگی و ملی است و انتقال موارث فرهنگی و ادبی به واسطه زبان صورت می‌گیرد. زبان مشترک در وحدت یک گروه موثرتر از مولفه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. گفتار و نوشتار مطبوعاتی از نگاه عامه مردم زبان معیار و الگوی گویش و نوشتار است و هراثتبه و نقصانی به سرعت در میان مردم رسوخ می‌کند و به مرور تصویر زنده زبان که ناقل فرهنگ، سنت و هویت ملی و قومی است تغییر می‌یابد. در این مقاله به بیان و بررسی ویژگی‌های زبان مناسب و مطلوب مطبوعات به عنوان یکی از ویژگی‌ها و عامل هویت ملی و فرهنگی می‌پردازیم.

مقدمه

فرهنگ هر ملت شناسنامه و سند هویت آن ملت به شمار می‌رود. نقش خط و زبان در فرهنگ و هویت ملی و تاثیر عمیق و همه جانبه رسانه‌ها در ترویج یا تضعیف زبان‌ها و خطها، مورد توجه بسیار قرار گرفته است. خط و زبان دو عنصر اصلی و اساسی فرهنگ هستند: زیرا برقراری ارتباط و انتقال فرهنگ، رمز حیات، دوام و بالندگی فرهنگ است.

نوشتن مطالب روزنامه، هدف و رویه ای متفاوت با سبک‌ها و نگارش دیگر دارد، روزنامه نگار از فرایندهای عینی و حتمی جهان پیرامون می‌نگارد. زبان مطبوعات علاوه بر سرعت در انتقال پیام، باید دارای صحت و جامعیت باشد. نوشتار مطبوعاتی از نگاه مردم الگوی گویش و نوشتار است. هر اشتباهی در این زمینه به سرعت در میان مردم رایج می‌شود و به مرور تصویر زبان و ادبیات که ناقل فرهنگ، سنت و هویت قومی و ملی است تغییر می‌یابد. به همین دلیل آشنایی با شیوه نوشتن و بیان صحیح مفاهیم به صورت مکتوب از مهم‌ترین نیازهای نویسندگان و خبرنگاران رسانه هاست. آنان موظفند این هنر را به خوبی بیاموزند و در نوشته های خود به کار گیرند.

نگارش رسانه ای

از نظر فیلیپ گایار روزنامه نگار معروف فرانسوی: سبک نگارش مطبوعاتی بیش از هر چیز این هدف را دنبال می‌کند که کار خواندن و فهمیدن را برای خواننده عادی آسان سازد. هدف دیگر، مطبوع و دلپذیر ساختن مطالعه و تبدیل خواننده به شاهد غیر مستقیم وقایع است.

مهارت نگارش رسانه ای و سبک‌های روزنامه نگاری، بعد از آثار و نتایج انقلاب صنعتی در غرب و نیاز مردم به مطلع شدن و مهمتر از آن امکان برخورداری از رسانه‌ها (دسترسی، داشتن امکان مالی، سواد عمومی و...) وجود می‌داشت تا نگارش رسانه‌ای، در جایگاه یک تخصص امکان طرح می‌یافت. نگارش صحیح، بیان روان و ساده و شفافیت در انتقال پیام اساسی‌ترین ارکان نوشتار مطبوعاتی است. در عین حال اصول نوشتن و مراقبت از زبان به عنوان رکن اساسی

فرهنگ ایرانی بر همه روزنامه نگاران و اصحاب قلم و رسانه واجب است. آشنایی با بیان صحیح مفاهیم به صورت مکتوب از مهم ترین نیازهای نویسندگان و خبرنگاران رسانه‌هاست. روزنامه نگاری و نگارش رسانه‌ای دارای هنجارها و قواعدی است. خبر مطبوعاتی علاوه بر مستقیم و روشن بودن باید از پرگویی به دور باشد. مطالب مطبوعات را باید با جمله‌های کوتاه و رسا به صورتی نوشت که قابل فهم و درک باشد. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که درک مفاهیم هر جمله با تعداد واژه های آن رابطه معکوس دارد. هرچه تعداد واژه‌های یک جمله کمتر باشد، درک مفهوم آن آسان‌تر است. روزنامه نگار باید به‌ویژه در مطالبی چون خبر، از نوشتن جمله‌های طولانی و مرکب خودداری کند، زیرا چنین نوشته ای نه تنها به آسانی قابل فهم نیست، بلکه خواننده را خسته و او را از خواندن خبر دلسرد می‌کند، البته حتی در یک روزنامه نیز صفحاتی که با دقت بیشتری منتشر می‌شوند و جنبه مقاله داشته و با فوریت کمتری چاپ می‌شوند، اشتباهات کمتری دارند. چرا که نگارش رسانه ای بیشتر فن و هنجار است بعد خلاقیت و فشردگی، روانی، سادگی و روشنی جزعناصر مهم آن است.

روزنامه نگار باید به‌ویژه در مطالبی چون خبر، از نوشتن جمله‌های طولانی و مرکب خودداری کند، زیرا چنین نوشته ای نه تنها به آسانی قابل فهم نیست، بلکه خواننده را خسته و او را از خواندن خبر دلسرد می‌کند.

استفاده از مطالب واصطلاحات علمی، تخصصی برای خوانندگان عادی مطبوعات و رسانه ها درست نیست. زیرا باعث دشواری فهم خواننده می‌شود. نویسندگان حرفه‌ای در رسانه‌ها باید با توجه به انتظار وخواسته مخاطب مطالب خود را ارائه دهند. دیوید رندال نوشته است که نوشتن چیزی در حدود ده درصد مجموعه کوشش‌های روزنامه نگاری است. نود درصد بقیه، به تلاش در راه کشف نکته‌ها، کوشش در برقراری رابطه میان عناصر و بهره گیری از مهارت و تجربه برای شکل دهی خط نهایی متن ربط می‌یابد. در نوشتار مطبوعاتی باید به این نکات توجه نمود:

- فاعل دستوری تا آنجا که ممکن است به فعل نزدیکتر شود تا جملات کوتاه شوند.
- اگر مطلب علمی و تخصصی باشد، اطلاعات جدید که نویسنده مایل به تاکید آن است در مطلب در مکان تاکید، جای دهد.
- «اطلاعات قدیم» مناسب یا پیشینه مطلب را در مکان

بگویند. این قالب‌های متنوع زبانی، کارکردهای مختلفی را نیز به همراه دارند و هدف‌های گوناگونی را پوشش می‌دهند. به همین دلیل شناخت اهداف پنهان در پشت پیام‌های مطبوعات (و به طور کلی رسانه‌ها) و آثار و نتایج اجتماعی پیام‌ها و مطالب آنها تنها از طریق بررسی ساختار ظاهری و مفاهیم آشکار زبان رسانه‌ها امکان‌پذیر نیست. درک و



دریافت مخاطب از مفاهیم پنهان و تلویحی پیام رسانه‌ای به عوامل مختلفی از قبیل پیش‌انگاره‌ها، فرهنگ، اطلاعات، نشانه‌های زبانی، شرایط سیاسی-اجتماعی، محیط ارتباطی، خواست‌ها، نگرش‌ها و... نیز بستگی دارد که در نتیجه معنا و

موضوع برای ایجاد پیوند با گذشته و ایجاد مضمون به کار برید.

- شخص یا چیزی که مطلب درباره او است در شروع جمله و در مکان تاکید قرار دهید.

- نقش هر بند یا جمله‌ای را در فعل آن آشکار کنید.

- قبل از اینکه خواننده بخواهد به چیز تازه‌ای بیندیشد به او مضمون تازه بدهید تا به درک متن نایل آید.

- پیش از هر چیز، اطمینان بیابید که تاکیدهای نسبی روی مطالب با انتظارات نسبی برای تاکید که توسط ساختار مطرح می‌شود، منطبق باشد.

- به کار بردن علائم سجاوندی مانند نقطه، کاما، کاما نقطه، خط تیره، گیومه، دو نقطه و... می‌توانند نوعی تاکید ضمنی به وجود آورد تا به فهم خواننده از متن کمک کنند.

- و کلام آخر اینکه، «اگر بنا باشد که خواننده منظور نویسنده را دریابد، نویسنده نیز باید نیاز خواننده را درک کند.» (گوپن: ۱۳۷۳:۶۹)

زبان مطبوعات

یکی از ویژگی‌های خاص انسان، توانایی و مهارت او در برقراری ارتباط با دیگران، به عالی‌ترین و پیچیده‌ترین وجه است. استعداد بسیار تکامل یافته انسان در برقراری ارتباطات نمادی، اکتساب فرهنگ را آسان، و انتقال فرهنگ را از نسلی به نسل دیگر ممکن می‌کند. از نظر جامعه‌شناسان چنانچه انسان استعداد و مهارت وسیع فراگیری زبان و برقراری ارتباط با دیگران را نداشت، نمی‌توانست به حیات خود ادامه بدهد. ارتباط نمادی آدمیان به سه شیوه اساسی صورت می‌گیرد. شیوه نخست، زبان گفتاری است که عبارت از الگوهای صوتی و معانی پیوسته به آن است. زبان گفتاری آموزش و ارتباطات را آسان می‌کند. دومین شیوه ارتباط، زبان نوشتاری است که عبارت از ثبت تصاویری از گفتار است. زبان نوشتاری آموزش و حفظ میراث فرهنگی را تسهیل می‌کند. سومین روش، زبان جسمانی است که از ادبیات عامیانه گرفته شده است و معنای برقراری ارتباط، با حرکات دست و صورت و به طور کلی با ایما و اشاره است. (کوئن، ۱۳۷۹: ۶۰)

«بی‌تردید زبان در قلب وهسته اصلی کلیه وجوه ارتباطات بشری قرار دارد.» (دفلور، ۱۳۸۳:۳۳) رسانه‌ها برای برقراری ارتباط با مخاطبان ناچار از به‌کارگیری آن هستند. آنها برای ایفای وظیفه خود از قالب‌های زبانی متفاوت بهره می‌جویند تا نافذ، موثر، گویا، هنرمندانه و گاه مصلحت‌اندیشانه سخن

تأثیر پیام را نزد مخاطبان، متفاوت جلوه‌گر می‌سازد (فرقانی، رسانه : ۱۰۱-۹۴)

زبانی که در رسانه مورد استفاده قرار می‌گیرد مستقیم یا غیر مستقیم به عنوان الگو در میان مخاطبان رایج می‌شود. رواج فوری و گسترده واژگان و حتی لحن‌های به کار رفته در برنامه‌های رادیو و تلویزیون در میان مردم نشانه روشن

عمده که در هر سیاست ارتباطی موفق وجود دارد، انتخاب زبان‌هایی است که به کار می‌رود. از آنجا که زبان، ناقل اصلی فرهنگ است، هر چیزی که منجر به برتری یک زبان بر زبان دیگر می‌شود - خواه ارادی یا غیر ارادی - مسائلی جدی ایجاد می‌کند، زیرا قدرت نخبگان مسلط را تقویت می‌کند و اقلیت‌ها را محدود می‌سازد.» (مک براید، ۱۳۷۵ : ۱۳۵)

رسانه‌های جمعی به دلیل شمارگان بالا و به دلیل انتشار و گستردگی خود می‌توانند تأثیر مثبت و یا منفی در جامعه و در سلامت زبان فارسی داشته باشد. رسانه‌ها سبب آسان‌تر شدن ارتباطات درون جوامع و ارتباطات بین جوامع، زوال زبان‌های غیررسمی و گویش‌های محلی یک کشور می‌شوند و گسترش و یکپارچگی زبانی را پدید می‌آورند. همچنین باعث شیوع یک الگوی زبانی در طبقات مختلف جامعه می‌شود؛ یعنی افراد طبقه پایین تحت تأثیر رسانه‌ها از رفتار زبانی طبقات بالای جامعه تقلید می‌کنند. طبقات بالاتر به نوبه خود گرایش‌های تازه‌ای پیدا می‌کنند و صورتهای زبانی دیگری را به کار می‌گیرند، ولی در درازمدت ممکن است گوناگونی و تنوعات یک جامعه زبانی به تدریج از میان برود.

مهمترین نقش رسانه‌هایی چون مطبوعات، نقش آموزشی است. با توجه به نقش فراگیر رسانه‌ها، میزان آنچه از طریق مراجع رسمی آموخته می‌شود، با میزان تأثیرپذیری از رسانه‌ها اصلاً قابل مقایسه نیست. میزان نفوذ وسایل ارتباط جمعی و گستردگی آنها باعث شده است که مفهومی به نام فرهنگ جمعی پدید آید که عناصر مختلف آن بویژه زبان تحت تأثیر مستقیم رسانه‌ها قرار دارند.

اگر سیاست فرهنگی و راهبرد آموزشی مشخصی وجود داشته باشد، رسانه‌ها نه تنها می‌توانند در باروری فرهنگ جمعی نقش اساسی داشته باشند، بلکه بخصوص در کشورهای در حال توسعه می‌توانند بسیاری از کمبودها را نیز جبران کنند و بر مشکلاتی چون کمبود فضای آموزشی، کمبود علم، دشوار بودن دسترسی به نقاط دورافتاده و... فائق آیند. (حیدرزاده : ۱۳۶۵، ۵۰۴)

درباره نقش مهم رسانه‌ها در تأثیر گذاری بر زبان تردیدی نیست، اما به نظر می‌رسد در کشور ما رسانه‌ای چون مطبوعات، تاکنون از مهم‌ترین ابزار خود یعنی زبان به خوبی استفاده نکرده‌اند. صاحب نظران برآنند که مشکلات و موانعی در کار رسانه‌ها وجود دارد و تا زمانی که این مشکلات برطرف نشوند، نمی‌توان در این زمینه به افق‌های روشنی امیدوار بود.



این الگو سازی است. این واقعیت در میان سایر رسانه‌ها نیز صادق است، حتی از یک جهت مطبوعات در این زمینه موثرترند و آن جنبه ثبت و ماندگاری آنهاست. حفظ و تقویت همبستگی ملی از طریق ترویج زبان رسمی و مشترک، یکی از کارکردهای رسانه‌هاست. از نظر مک براید: «یک عامل

قواعد ساخته می‌شود و مطالب علمی آن در بهترین شرایط محصول ترجمه مکانیکی است یا حتی در صورتی که تالیف باشد، چنان تحت تاثیر اشتباهات رایج است که اگر از نظر دستوری غلط فاحش نداشته باشد، عبارات آن به کلی بی معناست. (حیدرزاده، ۱۳۶۵:۵۱۳)

مطالعه متن‌های معتبر فارسی و کتاب‌های وزین ادبی، به مرور زمان درافزایش مهارت درست نویسی نویسنده‌ها موثر خواهد بود. اصل نخستین برای درست نوشتن، آگاهی و مهارت نویسنده است، زیرا مفهومی را که او به شیوه‌ی خاص خود درک کرده است و می‌خواهد به خواننده منتقل کند، خودش بهتر از هر کس - حتی بهتر از هر ویراستاری - می‌شناسد. (غلام حسین زاده، ۱۳۷۹:۳)

زبان خبر

در پخش برنامه‌های خبری رادیو و تلویزیونی حتما باید شیوه نگارش خاص خبر یا اصطلاحاً زبان خبری به کار گرفته شود. این زبان هم از مخاطب و هم از رسانه (رادیو، تلویزیون، مطبوعات) اثر می‌پذیرد.

از نظر رسانه چون رادیو و تلویزیون شنیداری و دیداری هستند بنابراین زبان آنها گفتاری است و همانند مطبوعات نوشتاری نیست. در اینجا منظور از زبان بعد فیزیکی آن است نه زبان نگارش، یعنی اینکه با چه وسیله‌ای ارتباط برقرار می‌شود. اما چنانچه از زبان مقصود متن‌های نگارش رادیو و تلویزیون باشد این زبان هم می‌تواند گفتاری باشد، (یعنی به سیاق محاوره و صحبت در برنامه‌های مختلف، سریالها، گفتگوی تلفنی، مسابقه) و هم نوشتاری (مثل برنامه‌های ادبی ویا تلفیقی مثل خبر).

این مسئله در مطبوعات هم صادق است. مثلاً برخی قصه‌های کودکان و نوجوانان به زبان گفتاری نگارش می‌شوند. بنابراین زبان خبر خاصی است و شاید بتوان گفت زبان تلفیقی است. یعنی از نظر نگارش هم محاوره‌ای است و هم نوشتاری. در این زبان کلمات و جملات از حیث مفهوم دقیق و سنجیده هستند و عبارت بار عاطفی چندانی ندارد. جملات همچنین صریح، گویا و فاقد آرایشها و صنایع ادبی و تعبیرات مجازی است.

زبان معیار در مطبوعات

تعریف استاندارد جهانی این زبان، زبان پایتخت سیاسی یک کشور است و طبعاً این زبان، زبان آموزشی و رسمی است که در قانون اساسی به‌طور صریح به آن اشاره شده است. دکتر

سبک نگارش در مطبوعات، باید شکل دهنده و نگاهبان «زبان معیار» در جامعه باشد. در واقع نثر روزنامه‌ای نثر «استاندارد» و نثری است که در رادیو و تلویزیون، کتاب‌های درسی و روابط رسمی افراد از آن استفاده می‌شود. زبان مطبوعات باید دارای قواعد و اسلوب‌های زبان فارسی باشد. امروزه گاهی دیده می‌شود که رسانه‌ها به سوی تثبیت زبانی می‌روند که به دور از قواعد و اسلوب‌های زبان فارسی است زبان رسانه‌های ما به‌طور اعم، زبانی است که به دور از



علی اشرف صادقی استاد ادبیات و زبان شناسی خصوصیات زبان معیار را این گونه بر می‌شمارد: «زبان معیار، زبانی است که ورای لهجه‌های محلی و اجتماعی رایج در یک کشور قرار دارد و وسیله ارتباطی، اجتماعی، علمی و ادبی کسانی است که ممکن است در شرایط دیگر به لهجه‌های محلی یا اجتماعی خاص خود تکلم کنند. این زبان همان زبان درس خوانندگان است و غالباً با زبان نوشتار یکی است. همین زبان است که در رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها به کار می‌رود و در آموزش زبان به خارجی‌ان مورد استفاده قرار می‌گیرد. زبان معیار، زبانی است تثبیت شده و دارای اصول و هنجارهایی است که رعایت آنها برای متکلمان به آن الزامی است. این اصول در کتاب‌های دستور تدوین شده و در مدارس تدریس می‌گردد. زبان معیار، مرجع صورت‌های غلط و درست در زبان است.» (صادقی، ۱۳۶۳: ۴۸)

زبان معیار، زبانی است که عاری از عناصر بومی و بیگانه است. یعنی این زبان باید از عناصر بیگانه حفظ شود. دستور زبان آن مدون شده و بر اساس آن دستور زبان مردم تکلم می‌کنند و می‌نویسند. این زبان در مدارس آموزش داده می‌شود، زبان نشریات و کتابهای درسی است و در کشور رسمیت دارد. وقتی از زبان معیار صحبت می‌کنیم، به دو گونه اصلی آن یعنی گفتاری و نوشتاری تاکید داریم. گونه نوشتاری خود گونه‌ها و زیر گونه‌هایی را در بر می‌گیرد. یعنی زبان معیار مطلق نیست. این زبان می‌تواند گونه‌های مطبوعاتی و یا گونه‌های اداری و علمی، آموزشی، کودکانه و... داشته باشد. بنابراین مقصود ما زبان مشخصی که چارچوبهای مشخص و

الزام آوری داشته باشد نیست. در واقع زبان مطبوعات تعریف شده است؛ زبان بی روح، زبان علم است؛ یعنی زبانی است که خیلی دقیق است و واژگان در جای خود مورد استفاده قرار گرفته و هر کلمه یک معنای دقیق و خاصی را در بر می‌گیرد. طبعاً حق نداریم از گونه‌های ادبی در این زبان استفاده کنیم. در زبان مطبوعاتی با توجه به تنوع قالب‌ها و محتوا و مخاطب می‌توان از اشکال و گونه‌های دیگر نیز استفاده کرد. البته یک رسانه نیز خود در صفحات مختلف از محتوای مختلف بهره می‌گیرد. قطعاً صفحات مقاله زبان رسمی‌تری را نسبت به صفحات گزارش و یا خبر استفاده می‌کنند. در

صفحه گفتگو زبان قدری صمیمی‌تر، عاطفی‌تر و نزدیک به مخاطب می‌شود. بنابر این اگر یک منحنی را در نظر بگیریم هر چه به طرف بالای آن حرکت می‌کنیم به زبان ادبی نزدیک می‌شویم و هر چه به سوی پایین‌تر حرکت می‌کنیم به زبان عامه نزدیک می‌شویم که در واقع زبان معیار در میان این دو قرار می‌گیرد؛ نه آنچنان به زبان شعر و نثر نزدیک است و نه نزدیک به زبان عامه است.

زبان‌های بومی هم برای خود زبان معیار هستند و یک نویسنده می‌تواند از آن گونه فراتر رفته و یا عناصر محلی را پیرنگ تر کند. به دلیل نبود دانشکده و یا انستیتوهای پژوهشی، قواعد و قوانین زبانهای محلی و بومی ایران نیز به تصویب نرسیده است، هر چند این زبانها هم می‌توانند گونه‌های معیاری برای خود داشته باشند.

ساده نویسی

ضرورت ساده نویسی مطالب روزنامه از دوران قاجار نشأت می‌گیرد. در دوره ساده نویسی یا دوره مدرنیسم (۱۳۰۰ تا به امروز) نثر ساده و فصیح رواج یافت. تاثیر فرهنگ و ادبیات غرب در ادبیات سنتی ایران در دوره ورود مدرنیته به ایران (دوره قاجار)، تا به آنجاست که میرزا فتحعلی آخوند زاده در نامه ای به میرزا آقا تبریزی می‌نویسد: «امروز این قبیل تصنیفات به کار نمی‌آید، تصنیفی که متضمن فواید ملت و مرغوب طبایع خوانندگان است، فن رمان و دراما است.» (عابدینی: ۱۳۶۹، ۱۹)

در آثار میرزا صالح شیرازی، زین العابدین مراغه ای، رساله های ملکم خان و ترجمه حاجی بابای اصفهانی، کتاب احمد نوشته طالبوف، نویسندگانی چون جمالزاده با قصه هایی چون یکی بود یکی نبود و همچنین مقالات انتقادی دهخدا که همزمان با انقلاب مشروطیت در روزنامه صور اسرافیل منتشر شد هم، ساده نویسی به خوبی رعایت شده است. پس از آن زمان اندیشمندان زبان فارسی پی به ضرورت ساده نویسی در مطلب روزنامه بردند. با این اوصاف نتیجه می‌گیریم که مطالب روزنامه باید به زبان ساده مطرح شود تا برای همه مخاطبان قابل فهم و درک باشد و حتی مطالب آن برای کم سواد ترین خوانندگان نیز درک

زبان خبر زبان خاصی است و شاید بتوان گفت زبان تلفیقی است. یعنی از نظر نگارش هم محاوره ای است و هم نوشتاری. در این زبان کلمات و جملات از حیث مفهوم دقیق و سنجیده هستند و عبارت بار عاطفی چندانی ندارد

عصر شتاب و سرعت، مانند چیستان به اتلاف وقت و تامل بیجا محتاج نباشد؛ بلکه نوشته را به آسانی بخواند و بفهمد. به کار بردن جمله‌های ساده و کوتاه، عامل موثری در آسان درک کردن مطلب است. (مسعودی: ۱۳۸۶، ۱۹)

ویژگی‌های یک نوشته خوب

در یک نوشته خوب علاوه بر ساده نویسی، باید در بیان مطالب، عفت قلم را رعایت کرد. رعایت عفت و پاکی فکر نشان دهنده شخصیت نویسنده است. استفاده از الفاظ زشت و رکیک نوشته را در نظر خواننده بی مقدار و نویسنده را خوار می‌دارد. سومین ویژگی، وحدت موضوع و فراهم آوردن تناسب و هماهنگی کامل، پیرامون موضوع اصلی است تا تاثیری واحد را در ذهن خواننده القا کند. چهارمین ویژگی، احتراز از به کار بردن واژه‌های دشوار و بیگانه است. باید از به کار بردن لغات و اصطلاحات دشوار و دور از ذهن خودداری کرد. ویژگی بعدی دقت در به کار گیری املائی درست و فصل و وصل است. همچنین در سراسر نوشته باید قواعد دستوری را رعایت کرد و ارکان و اجزای جمله را در جای مناسب خود بکار برد.

انتخاب واژه‌های مناسب،

مسئولیت حرفه‌ای در روزنامه نگاری

یکی از دغدغه‌های مهمی که در حوزه روزنامه نگاری مطرح بود، پرهیز از به کارگیری واژه‌هایی بود که غیرفارسی، دشوار و نامانوس به نظر می‌رسید. بیش از این تلاش می‌کردیم همواره با صرف وقت و جستجوی بیشتر برای واژه‌های فرنگی یا دشوار و نامانوس جایگزین مناسب فارسی پیدا کنیم. استفاده از واژه‌ها و به کار گیری درست آنها، حداقل به دو دلیل از دغدغه‌های اخلاقی و حرفه‌ای مهم در روزنامه نگاری به شمار می‌آید.

۱. دلیل اول: وسایل ارتباط جمعی از جمله مطبوعات همچون یک دانشگاه، نقش آموزشی برای طیف فراگیر و وسیعی از گروه‌های سنی مختلف تحصیلی را دارد. از این رو هر اشتباه یا بی توجهی در استفاده از کلمات و عبارتهای نادرست به لحاظ مفهومی و مغایر با قواعد ضوابط زبان فارسی می‌تواند تاثیر نامطلوب فرهنگی گذاشته و موجب بی اعتمادی آن رسانه نزد مخاطبان شود. بنابراین مسئولیت حرفه‌ای و اخلاقی حکم می‌کند که روزنامه نگار با رعایت قواعد زبان و درست نویسی، اصالت زبان فارسی و نیز حرمت مخاطبان خود را حفظ کند. رعایت نکردن

شدنی باشد. از به کار بردن واژه‌های غریب و دور از ذهن پرهیز کرد و اگر در مواردی هم که ناگزیر تعداد محدودی از آنها را به کار می‌بریم با در ضمن مطالب به توضیح آن‌ها به پردازیم و تکرارشان کنیم تا برای خواننده عادی جای اشکال و زحمتی از فهم آن‌ها باقی نماند. همچنین باید از به کار بردن جمله‌های دور و دراز و پیچیده که به زحمت می‌توان آن‌ها را به یکدیگر پیوند داد و به دشواری از معنی آنها سر درآورد خودداری کرد. سادگی از ضروریات نوشته است، ولی نویسنده نباید در این امر افراط ورزد و کار را به ابتذال بکشاند؛ بلکه باید نوشته او ساده و روان و در این



نکات دستوری در رسانه‌های مکتوب کثیرالانتشار ضمن اینکه اعتبار رسانه را کاهش می‌دهد با انتشار غلط به تعداد تیراژ (شمارگان) آن وحتى بیشتر می‌شود.

۲. دلیل دوم: مسئولیت آنان در بیان واقعیت یا حداقل نزدیک به واقعیت است. فردی که قلم به دست می‌گیرد تا خبری را به اطلاع مردم برساند نباید با واژه‌ها بازی کند، چرا که در این صورت با وقت و اعتماد مخاطب بازی کرده است. در روزنامه نگاری حرفه‌ای علاوه بر ضرورت فراگیری آموزش دانشگاهی، پایداری در درست نویسی و ساده نویسی و تجربه اندوزی، در نهایت فرد صاحب قلم را به آنجا می‌رساند که به هنر چگونه نوشتن برای جلب اعتماد مخاطب و انجام مسئولیت اخلاقی دست یابد. به عبارتی روزنامه‌نگار هم باید فن نویسندگی برای مطبوعات را بیاموزد که در چارچوب

همان قواعد زبان و نحوه درست نویسی

تلفیق واژه‌ها قرار گیرد و هم باید به هنر چگونه نوشتن دست یابد. در واقع تجربه اندوزی در این مسیر جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت.

نتیجه گیری

درباره نقش مهم رسانه‌ها در تأثیر گذاری بر زبان تردید نیست. یکی از وظایف مهم رسانه‌ها انتقال درست خود پیام به بهترین شکل است. زبان به عنوان ابزار ارتباطی نقش بسیار مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند. با مشخص بودن سیاست فرهنگی و راهبرد آموزشی، رسانه‌ها می‌توانند

در باروری فرهنگ جمعی حاصل از میزان نفوذ وسایل ارتباط جمعی نقش اساسی داشته باشد. زبان مهمترین ابزار رسانه است که هر روز با توده عظیمی از مردم سخن می‌گویند، کیفیت زبان رسانه‌های همگانی مردم را به سهولت تحت تأثیر قرار می‌دهد. گفتار و نوشتار مطبوعاتی از نگاه عامه مردم زبان معیار و الگوی گویش و نوشتار است به همین دلیل اگر اخبار و گزارش‌هایی که روزنامه نگاران تهیه و منتشر می‌کنند اشتباه داشته باشد به سرعت در میان مردم رسوخ می‌کند و به مرور تصویر زنده زبان و ادبیات که ناقل فرهنگ، سنت و هویت قومی و ملی است تغییر می‌یابد. با گسترش کمی نشریات و عدم بازبینی و ویرایش و اصلاح نوشته‌ها، روزانه تعداد زیادی از ساختارهای زبانی غیرمعیار

ترویج می‌شود و تأثیر نامطلوبی بر فرهنگ نوشتاری مردم می‌گذارد. از سوی دیگر بسیاری از مردم از میان مطالب مکتوب مختلف، گاهی تنها به خواندن نشریه‌ای خاص اکتفا می‌کنند، و نثر مطبوعات خواه ناخواه بر چگونگی به کارگیری زبان یا مهارت نوشتن آنان تأثیر می‌گذارد. به کارگیری درست زبان و قواعد آن اولین و مهمترین ابزار هر رسانه است. زبان آن دسته از مطبوعاتی که دارای معیار و اسلوب صحیح هستند، بهتر فهمیده می‌شود و رسالت خیرسانی و مطبوعاتی آن‌ها نیز به خوبی انجام می‌شود.

منابع

- ایرانی، ناصر. «زبان فارسی را حفظ کنیم»، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
- بدیعی، نعیم و حسین قندی. روزنامه نگاری نوین، چاپ چهارم، تهران انتشارات علامه طباطبایی، ۱۳۸۴.
- مسعودی، امید. مبانی نگارش رسانه ای، تهران: انتشارات خجسته، ۱۳۸۶.
- حیدرزاده، توفیق. «نقش رسانه های همگانی در ترویج زبان علم و مشکلات موجود در ترویج زبان علم از رسانه ها»، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.
- دفلور، ملوین. شناخت ارتباطات جمعی، ترجمه سیروس مرادی، انتشارات دانشگاه صداوسیما، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- کوئن، بروس. مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس از غلام عباس توسلی و رضافاضلی، انتشارات سمت، چاپ نهم، ۱۳۷۹.
- مک براید، شن. یک جهان و چندین صدا، ترجمه ایرج پاد، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- گوین، جی. وی و وجی. آ. اسوان، «علم نگارش علمی»، مترجم هوری میوه چی، در مجله علوم و تکنولوژی پلیمر، سال هفتم، ۱۳۷۳.
- ذوالفقاری، حسن. نقش رسانه های جمعی در سلامت زبان فارسی، سایت تبیان، ۱۳۸۸.
- صادقی، علی اشرف، «زبان معیار»، در کتاب دومین سمینار زبان فارسی در صداوسیما، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۳.
- عابدینی، حسن. «صدسال داستان نویسی در ایران» تهران: نشر تندر، ۱۳۶۹.
- فراقی، محمد مهدی. «مطالعه ای پیرامون زبان مطبوعات» فصلنامه رسانه، ۳۳، بهار ۱۳۷۷.

روزانه تعداد زیادی از ساختارهای زبانی غیرمعیار ترویج می‌شود و تأثیر نامطلوبی بر فرهنگ نوشتاری مردم می‌گذارد. از سوی دیگر بسیاری از مردم از میان مطالب مکتوب مختلف، گاهی تنها به خواندن نشریه‌ای خاص اکتفا می‌کنند، و نثر مطبوعات خواه ناخواه بر چگونگی به کارگیری زبان یا مهارت نوشتن آنان تأثیر می‌گذارد